

تنزيل مجدد، كليلد گشایش قفل بسته بانكها



بحث ارایه تسهیلات بانکی در کشور ایران همیشه با باید و نبایدها و محدودیت‌هایی همراه بوده که بیشترین فشار آن بر دوش بخش تولید و صنعت وارد شده است.

برای بررسی اینکه چرا همیشه با وجود علم به نیاز بخش تولید به تامین نقدینگی مورد نیاز خود، ارایه تسهیلات بانکی با محدودیت مواجه بوده است، باید به برخی از عوامل اقتصادی نگاه دقیق‌تری داشت.

در واقع در جریان امور اقتصادی سه عامل نقدینگی، تولید و تورم رابطه تنگاتنگی با یکدیگر داشته و تغییر هر کدام از این عوامل بر عوامل دیگر نیز تاثیرگذار خواهد بود و به بیانی دیگر تغییر در همین عوامل است که در ارایه تسهیلات بانکی محدودیت ایجاد می‌کند.

باید گفت، رابطه میان نقدینگی، تولید و تورم به سابقه پشتوانه پول با می‌گردد زیرا زمانی پشتوانه اسکناس، مسکوک رایج منتشر شده از سوی دولت یا بانک مرکزی، ذخایر طلا، نقره و یا جواهرات بوده است.

در آن زمان اگر تولید ملی بیش از مصرف ملی بود با صادرات مازاد تولید، فلزات و پشتوانه پول کشورها خریداری می‌شده و در نتیجه با افزایش فعالیت‌های تولیدی، افزایش پول نیز اتفاق می‌افتاده است. اما مصرف مازاد تولید ملی برای تامین نیازهای وارداتی و پرداخت بهای واردات با پولی که فلز پشتوانه آن بوده است، سبب خروج ذخایر و کاهش پول در جریان از سویی و همچنین نیاز به تغییر نسبت میان ارزش واحد پول و طلا از سوی دیگر می‌شد. ادامه این شرایط نیز به تدریج باعث کاهش اعتبار طلا به عنوان پشتوانه پول و افزایش اعتبار تولید ملی به عنوان پشتوانه پول می‌شد زیرا تولید ملی منشا اصلی ارزش پول ملی بود.

بنابراین در شرایطی که بانک‌های مرکزی متولی انتشار اسکناس و کنترل نقدینگی سیستم اقتصادی هستند، اگر باتوجه به سیاست‌های پولی کشور، دولت برای برنامه‌های توسعه‌ای منابعی را برای افزایش تولید در اختیار بانک‌های عامل قرار دهد، تنها در صورتی که افزایش ارزش کالای تولید شده، از مبلغ تسهیلات ارایه شده بیشتر باشد، رشد و توسعه سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، کاهش قیمت تمام شده و تورم اتفاق خواهد افتاد.

در همین رابطه باید گفت، روشی که برای ارایه تسهیلات بانکی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته استفاده می‌شود، نتایج مثبتی به همراه داشته است.

در این روش برای رفع محدودیت ارایه تسهیلات بانکی به بخش‌های تولید محور که از

ابزار دولت‌ها برای رشد و توسعه بخش‌های تولیدی است و با اجرای آن محدودیت ناشی از رابطه بین جذب سپرده و ارایه تسهیلات برای بانک‌های عامل در چارچوب سیاست‌های دولت و بانک مرکزی برطرف می‌شود، مطالبات جاری بانک‌ها در بخش‌هایی که رشد و توسعه آنها مورد حمایت سیاست‌های دولت و بانک مرکزی کشورها است با نرخ‌های سود اندک خریداری می‌شود که با انجام این کار سیاست‌های دولت برای رشد و توسعه در بخش صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات تولیدی، بدون مواجهه با محدودیت اعتبارات انجام می‌شود و بانک‌های عامل نیز با دریافت نقدی وجوه مطالبات مدت دار خود برای ارایه دوباره تسهیلات توان مالی به دست می‌آورند.

همچنین از آنجایی که نرخ سود خرید دین به وسیله بانک‌های مرکزی کمتر از نرخ سود سپرده‌گذاران است؛ بانک‌ها می‌توانند در بخش‌های مورد نظر دولت تسهیلات را با نرخ سود کمتری

✓ با روش تنزیل مجدد، تسهیلات دهی به بخش تولید از وابستگی به جذب سپرده‌ها آزاد شده و سیاست‌های حمایتی دولت از بخش‌های تولیدی، تعیین کننده میزان رشد تسهیلات در بخش‌های یاد شده می‌شود که رفع کننده مشکلات موجود دولت، بانک مرکزی و گیرندگان تسهیلات در بخش سرمایه‌گذاری، اشتغال، افزایش درآمد ملی و ضد تورم خواهد شد.

ارایه کنند و انجام این کار سبب بهبود شرایط اقتصادی و سوددهی واحدهای دریافت کننده تسهیلات و در نتیجه افزایش توان بازپرداخت وام‌های دریافتی و رشد و توسعه آنها می‌شود که اثرات ضد تورمی، اشتغال‌زا و امنیت آفرین خواهد داشت.

از سوی دیگر با این سیستم، تسهیلات دهی به بخش تولید از وابستگی به جذب سپرده‌ها آزاد شده و سیاست‌های حمایتی دولت از بخش‌های تولیدی، تعیین کننده میزان رشد تسهیلات در بخش‌های یاد شده می‌شود که رفع کننده

مشکلات موجود دولت، بانک مرکزی و گیرندگان تسهیلات در بخش تولید بوده و زمینه ساز رشد سرمایه‌گذاری، اشتغال، افزایش درآمد ملی و ضد تورم خواهد شد. همچنین بانک مرکزی نیز از محل خرید دین، سودی به دست می‌آورد که می‌توان این سود را به خزانه واریز و یا صرف هزینه‌های بانک مرکزی کرد. این کار تاثیرات خوبی در بخش‌های تولید محور استفاده کننده از این تسهیلات ایجاد خواهد کرد که کاهش هزینه‌های مالی، کاهش قیمت تمام شده، افزایش توان رقابتی در بازارهای درون و برون مرزی از آن دسته هستند.

با آسان شدن دریافت تسهیلات و تامین نیاز تنخواه از حداکثر ظرفیت‌های تولیدی بخش‌های تولید استفاده خواهد شد که این شرایط خود حرکتی ضد تورمی و عامل کاهش هزینه‌های ثابت در قیمت تمام شده کالا و بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در دوره استهلاک آنها محسوب می‌شود.

از سوی دیگر زمینه رشد و توسعه واحدهای تولیدی ضمن نوسازی واحد و همگام شدن آن با استانداردهای جهانی؛ امکان کاهش بیشتر قیمت تمام شده در ظرفیت‌های بالاتر نیز فراهم می‌شود. سود آور شدن واحدها در نتیجه اعمال این سیاست‌ها نیز سبب افزایش درآمد مالیاتی، عوارض و درآمدهای گمرکی می‌شود که در مقابل هزینه تامین معاش بیکاران را برای دولت‌ها کاهش می‌دهد.

در کشورهای دیگر که استفاده از کلمه تنزیل در آنها منع شرعی نداشته ولی با یک کلمه کل عملیات خرید دین طبق عقود اسلامی را به ذهن القا می‌کند، این روش تنزیل مجدد نامیده می‌شود که در عمل خرید دین بدهکاران دریافت کننده تسهیلات از بانک‌ها به وسیله بانک مرکزی معنی می‌دهد.

باتوجه به این مساله در شروع سیستم بانکداری اسلامی این نام از سیستم بانکداری اسلامی حذف شد، اما استفاده از آن می‌تواند قفل‌های ارایه تسهیلات به بخش‌های تولید محور را گشوده و دیگر ضرورتی برای قفل دوباره ایجاد نکند و همچنین ابزاری برای اجرای طرح‌های حمایتی از تولید و اشتغال در دست دولت باشد.

البته از آنجایی که از این سیستم برای ارایه تسهیلات به تولید استفاده می‌شود و نه در هزینه‌های جاری دولت؛ رشد تسهیلات اثر تورمی نداشته و خود ضد تورمی عمل خواهد کرد.

